

بیمه اتکایی و حفاظت از منابع ملی

دکتر غلامحسین جباری

بیمه اتکایی یا بیمه مجدد (که در اکثر زبانهای خارجی چنین نامیده می شود) عبارت از این است که بیمه گر تمام یا بخشی از خطرهایی را که براساس بیمه نامه های صادره به عهده گرفته است یا خواهد گرفت در ازای پرداخت حق بیمه ای به بیمه گر دیگری (بیمه گر اتکایی) واگذار کند تا در صورتی که خسارت یا خسارتهایی واقع شد بخشی از آن را از بیمه گر اتکایی دریافت کند. بیمه اتکایی رابطه ای است بین دو بیمه گر که یکی بیمه گر واگذارنده است و دیگری بیمه گر اتکایی و هیچ گونه اثر حقوقی بر بیمه گذار یا بیمه گر واگذارنده که طرف قرارداد بیمه گر است ندارد.

در این مقاله هدف ما تعریف تفصیلی از بیمه اتکایی و توضیح انواع و چگونگی اجرای آن نیست بلکه بحث ما محدود به این است که آیا بیمه اتکایی که به صورت خلاصه بالا تعریف شد تأثیری بر حفظ منابع ملی یک کشور دارد یا خیر و اگر دارد به چه دلیل و چه ترتیب.

تردید نیست که هر رابطه مالی تأثیری کم یا زیاد در اقتصاد کشور دارد. افزون بر این، بیمه اتکایی که معمولاً بین دو بیمه گر از دو کشور صورت می گیرد در بازرگانی خارجی کشور نیز مؤثر است. هر معامله بین المللی منجر به دریافت یا پرداخت ارزی می شود و لذا معاملات بیمه اتکایی در موازنه ارزی کشور نیز تأثیر دارد. با این توضیح، بیمه اتکایی به هر منظوری که انجام شود نتیجه بلافصل آن ایجاد درآمد یا هزینه ارزی برای کشور است. اما از آنجا که واگذاری بیمه اتکایی به منظور تحصیل پوشش از بیمه گران خارجی است و به عبارت دیگر، بیمه گر اتکایی خدمتی ارائه می دهد که برای آن قیمتی مطالبه می کند باید بپذیریم که در حالات عادی واگذاری بیمه اتکایی مستلزم هزینه ارزی است. هم چنانکه بیمه گر مستقیم در مقابل پوشش بیمه ای که به بیمه گذاران ارائه می دهد

حق بیمه دریافت می‌کند که آن هم برای بیمه‌گذاران یک نوع هزینه (البته غالباً به پول محلی) است. اما در شرایط غیرعادی، هم بیمه‌گر مستقیم در معامله با بیمه‌گذار و هم بیمه‌گر اتکایی در معامله با بیمه‌گر واگذارنده متحمل زیان می‌شوند که در صورت اخیر زیان بیمه‌گر اتکایی در واقع مقارن با سود برای بیمه‌گر مستقیم است که موجب درآمد ارزی برای کشور او نیز می‌شود.

با توجه به این واقعیت که زیان بیمه‌گر اتکایی حالتی غیرعادی دارد و بیمه‌گر اتکایی به انتظار سود، قبول تعهد در مقابل بیمه‌گر واگذارنده می‌کند و جز این نیز نمی‌توان از یک مؤسسه تجارتي انتفاعی انتظار داشت، تردید نیست که خرید پوشش بیمه اتکایی نوعی واردات خدمت است و هزینه ارزی هم دارد. حال که با این زمینه و پیش داوری ناخوشایند موضوع نقش بیمه اتکایی را در حفظ منابع ملی بررسی می‌کنیم باید ابتدا پاسخی برای این پرسش ارائه دهیم که آیا بیمه اتکایی که با هزینه ارزی همراه است از دید اقتصاد کلان یک جامعه ضرورت دارد و اجتناب‌ناپذیر است؟ اگر چنین است راههایی برای صرفه‌جویی در این هزینه که به لحاظ ضرورت به آن تسلیم می‌شویم وجود دارد؟ به عبارت دیگر، چگونه می‌توان با کمترین هزینه ارزی به مطلوب‌ترین وجه از منابع ملی کشور حمایت کرد. بنابراین بحث ما شامل سه بخش خواهد بود.

بخش اول - توجیه ضرورت بیمه اتکایی

تردید نیست که هر بیمه‌گری نیاز به پوشش بیمه اتکایی دارد، مگر اینکه بیمه‌های او کلاً از انواعی باشند که برای او تعهدات سنگین ایجاد نکنند. از جمله شرکتهای بیمه تعاونی که در ایران هنوز ناشناخته‌اند، بعضاً به لحاظ اینکه در رشته‌های محدود فعالیت می‌کنند و مثلاً بیمه درمان تکمیلی برای گروههای خاص و مناطق خاص انجام می‌دهند نیاز به بیمه اتکایی ندارند. صرف نظر از این موارد استثنایی می‌توان با قاطعیت گفت که هر بیمه‌گری حتی بزرگ‌ترین بیمه‌گران باید برای تعهدات سنگینی که متجاوز از توان و ظرفیت تحمل آنهاست پوشش بیمه اتکایی تحصیل کنند. اینکه حد ظرفیت نگهداری خطر هر بیمه‌گر چقدر است، یک موضوع فنی بیمه اتکایی و خارج از بحث امروز ماست. ما در اینجا فقط می‌توانیم بگوییم که این حد علاوه بر ضوابط فنی مقداری هم تابع روحیه و سلیقه مدیران شرکت بیمه و عرف بازار داخلی کشور است و ضابطه دقیق و مشخص ندارد و معمولاً در ستای جمع داراسهای خالص شرکت سه (۳) تا ۶

درصد) یا جمع حق بیمه‌های سالیانه (۱ تا ۳ درصد) تعیین می‌شود. اما موضوع مقاله که نقش بیمه اتکایی در حفظ منابع ملی است ما را از بحث در مورد نیاز یک یا چند شرکت بیمه به بیمه اتکایی آزاد می‌سازد. در این مقاله آنچه باید مورد توجه باشد نیاز بازار بیمه به بیمه اتکایی خارجی است. به عبارت دیگر تا آنجا که بیمه‌گران کوچک و بزرگ نیاز خود را به پوشش بیمه اتکایی از داخل کشور تهیه می‌کنند و بهای این پوشش را با پول محلی به یکدیگر می‌پردازند، بر منابع مالی کشور اثر قابل ملاحظه‌ای نمی‌گذارد. لذا بحث ما ناظر به پوششهای بیمه اتکایی است که باید از خارج کشور تحصیل شود. اگر صحبت از توان ظرفیت نگهداری خطر می‌کنیم، نظر به ظرفیت مجموع بیمه‌گران یک کشور داریم که باید به وجه کامل از آن استفاده شود. بنابراین توسل به بازارهای بیمه اتکایی خارجی در صورتی توجیه‌پذیر است که مجموع توان بیمه‌گران داخلی برای تحمل خطر بیمه شده کافی نباشد. به نظر ما بیمه اتکایی خارجی در موارد زیر موجه است:

۱. تعهدات بیمه‌ای سنگین

در هر کشوری بیمه‌نامه‌هایی صادر می‌شود که بعضاً تعهدات موضوع آنها از مجموع ظرفیت بیمه‌گران کشور متجاوز است. از جمله برای صنایع متمرکز بزرگ، مجموعه‌های مسکونی به صورت برج، انبارهای بزرگ، مجموعه‌های اداری یا تجاری و طرحهای بزرگ صنعتی و ساختمانی در حال اجرا از قبیل مونتاز کارخانه‌ها، نیروگاهها و پالایشگاهها. برای مثال اگر حریق وسیعی در بازار تهران، انبارهای گمرک، انبار بانک کارگشایی یا در یک مجموعه صنعتی بزرگ واقع شود جبران خسارت آن با کمک بیمه‌گران خارجی امکان‌پذیر است. به‌ویژه در حالتی که جبران خسارت باید با ورود قطعات از خارج کشور یا با استفاده از تکنولوژی وارداتی صورت گیرد.

۲. بیمه خطرهای طبیعی

در بسیاری از موارد تعهدات پذیرفته شده در هر بیمه‌نامه رقم درستی نیست اما طبیعت خطر بیمه شده چنان است که اگر واقع شود مجموعه‌ای از اموال بیمه شده را نابود می‌سازد. مثل بیمه ساختمانیها و صنایع در مقابل خطر زلزله و طوفان یا بیمه محصولات کشاورزی در مقابل آفات مختلف. در شهر تهران دهها هزار واحد مسکونی در مقابل خطر حریق بیمه هستند. این بیمه‌ها هیچ یک نیاز به پوشش بیمه اتکایی خارجی ندارند. اما اگر بیمه‌گران همراه با خطر حریق، خطر زلزله را نیز تعهد کرده باشند،

زمین لرزه‌ای با شدت نه چندان زیاد فاجعه خواهد آفرید. در نقاط خاصی از جهان هر سال میلیاردها دلار خسارت از طوفانهای سهمگین حاصل می‌شود. جبران این خسارتهای از توان بیمه‌گران هر کشوری خارج است.

۳. بیمه‌های ارزی

در بعضی از انواع بیمه پرداخت خسارت باید به ارز خارجی صورت گیرد و خسارتهای احتمالی به حدی است که از ذخایر ارزی که بیمه‌گران در اختیار دارند یا از منابع ارزی که مراجع نظارت پولی می‌توانند در دسترس بیمه‌گران بگذارند تجاوز می‌کند. در این موارد حتی برای بیمه‌های کم‌اهمیت‌تر هم به بیمه‌اتکایی خارجی احتیاج است که اگر خسارت احتمالی به ریال قابل پرداخت بود تأمین آن از محل امکانات داخلی بیمه‌گران آسان می‌نمود. از جمله این نوع بیمه‌ها عبارتند از:

الف) بیمه‌های مسؤلیت بین‌المللی مانند بیمه مسؤلیت هواپیما که معمولاً حد آن بین نیم تا یک میلیارد دلار است؛ بیمه مسؤلیت کشتیها به‌ویژه در مورد آلودگی آب دریا که معمولاً انجمنهای حمایت و غرامت (پی‌اند‌آی)^۱ انجام می‌دهند؛ بیمه مسؤلیت تولیدی برای بعضی کالاهای صادراتی از جمله دارو و مواد غذایی؛ بیمه مسؤلیت پیمانکاران برای اجرای طرحهای صنعتی و ساختمانی در خارج از کشور یا بیمه حسن اجرای کار این پیمانکاران.

ب) قیمت کالاها و خدمات وارداتی به ارز پرداخت می‌شود. بدین لحاظ بیمه‌گذاران معمولاً علاقه‌مند به استحصال بیمه ارزی برای خریدهای خود هستند تا در صورت ورود خسارت، جایگزینی آن آسان باشد. به همین لحاظ پوشش بیمه‌اتکایی این بیمه‌ها نیز باید به ارز تحصیل شود مگر در کشورهایی که پول محلی بدون تشریفات و به آسانی تبدیل‌پذیر به ارز باشد. همچنین برای کالاهای صادراتی اگر خرید بیمه به عهده فروشنده باشد بیمه‌گذار علاقه‌مند به استحصال بیمه ارزی است و باز بیمه‌اتکایی به ارز مطرح می‌شود.

پ) بیمه اعتبارات خارجی که گاهی بیمه‌گران داخلی برای تعیین تعهدات بین‌المللی انجام می‌دهند از جمله بیمه تضمین حسن اجرای کار پیمانکاران و همچنین بیمه اعتبار صادراتی که برای تعیین وصول طلب صادرکنندگان کالا و خدمت از خریداران خارجی

معمولاً بیمه‌گران داخلی انجام می‌دهند، به لحاظ تعهد ارزی نیازمند پوشش بیمه اتکایی خارجی است.

بخش دوم - صرفه‌جویی در هزینه ارزی

از مطالب مورد اشاره در بخش اول معلوم شد که در خصوص بعضی از بیمه‌ها مراجعه به بازارهای بین‌المللی برای تهیه پوشش بیمه اتکایی، اجتناب‌ناپذیر است. اما این مطلب نیز به خودی خود روشن است که هرگز پوشش بیمه اتکایی مساوی صد در صد تعهد بیمه‌گر نیست و نباید باشد. به عبارت دیگر در هر بیمه‌ای بیمه‌گر صادرکننده حدی برای نگهداری و قبول تعهد دارد حتی اگر بیمه‌نامه به ارز باشد. بنابراین بحث بعدی ما این است که در موارد نیاز به بیمه اتکایی خارجی میزان معقول آن چیست؟ خرید بیمه اتکایی از خارج یک نوع واردات خدمت است. هر جا نیاز به وارد کردن کالا یا خدمتی باشد حدی برای آن وجود دارد که بیش از آن حد غیرلازم و اصراف در منابع ارزی است. برای بیمه اتکایی خارجی نیز حدی باید وجود داشته باشد. این حد کدام است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که اگر بیمه‌گران داخلی هر یک به‌طور منفرد، بدون همکاری با یکدیگر و آزاد از هرگونه مقررات نظارت عمل کنند نیازی که هر یک به بیمه اتکایی احساس می‌کند بسیار زیاد و پرهزینه است ظرفیت یک یک شرکت‌های بیمه برای تحمل هر مورد خطر معمولاً ضعیف است لذا واگذاری اتکایی آنها مبالغ هنگفتی تشکیل خواهد داد اما مصلحت اقتصادی کشور اقتضا می‌کند در هر حالتی اعم از اینکه شرکت‌های بیمه متعلق به بخش خصوصی باشند یا دولتی بر عملیات بیمه اتکایی آنها نظارت شود و این از اهم وظایف سازمانهای نظارت بر عملیات بیمه‌گری است. تدابیری که در جهت تقلیل نیاز به بیمه اتکایی خارجی مؤثرند عبارتند از:

۱. استفاده کامل از ظرفیت داخلی

در بعضی کشورهای جهان سوم شرکت‌های بیمه تازه تأسیس و کم‌سرمایه علاقه دارند تعهداتی را که می‌پذیرند پس از کسر سهم ناچیزی برای نگهداری خود به بیمه‌گران خارجی واگذار و به جای بیمه‌گری نقش واسطه را بازی کنند و به درآمد کارمزد اکتفا نمایند. این روش اگر برای بیمه‌گر کوچک مقرون به احتیاط و مصلحت باشد به مصالح اقتصادی کشور لطمه می‌زند. لذا باید:

الف) بیمه‌گران داخلی و ادار شونده که از هر خطری که بیمه می‌کنند سهم متناسب با

امکانات مالی خود نگهداری کنند.

ب) پوشش بیمه اتکایی مورد نیاز خود را تا آنجا که ممکن است از بازار داخلی تهیه کنند. بیمه مشترک و نیز بیمه اتکایی متقابل با قراردادهای دوجانبه بین بیمه‌گران به این منظور کمک می‌کنند. تأسیس صندوق مشترک بیمه اتکایی در داخل کشور که وسیله همکاری متقابل بین بیمه‌گران محلی است یکی دیگر از وسایل نیل به این هدف است.

۲. افزایش ظرفیت داخلی

وجود یک بیمه‌گر اتکایی محلی برای هر کشوری ضروری است. بیمه‌گر اتکایی محلی علاوه بر تأمین بخش عمده‌ای از نیازهای بیمه‌گران داخلی می‌تواند در بازارهای بین‌المللی نیز به فعالیت و تحصیل درآمد بپردازد. استقرار مستقیم بیمه اتکایی اجباری که توصیه مؤکد انکتاد به کشورهای درحال توسعه بوده است به منظور صرفه‌جویی در واگذاری اتکایی به خارج و ایجاد ظرفیت جدید تقبل خطر در داخل کشور صورت می‌گیرد. هرچه درصد واگذاری اجباری بیشتر باشد از لحاظ تأمین هدف مورد بحث مؤثرتر است. در بعضی کشورها با وجود آزادی فعالیت برای بیمه‌گران بخش خصوصی، واگذاری اتکایی به خارج در انحصار دولت قرار دارد. وجود سازمانی برای اداره بیمه اتکایی، مانند بیمه مرکزی ایران که ضمناً این نقش را به عهده دارد خود موجب پیدایش یک مؤسسه بیمه اتکایی با ظرفیت قابل ملاحظه می‌شود. این ظرفیت جدید از دو جهت کارایی دارد. یکی نگهداری هرچه بیشتر حق بیمه خطرهای داخلی و دیگر قبول خطرهای خارجی و دریافت حق بیمه اتکایی که خود می‌تواند موجب درآمد ارزی باشد.

۳. شرکت در همکاریهای منطقه‌ای

معاملات بیمه‌ای کشورهای جهان سوم با وجود حجم نسبتاً کم آن درصد سود قابل ملاحظه‌ای دارد. علت این است که در این کشورها تجمع اموال و تراکم خطرها به میزانی که در کشورهای صنعتی دیده می‌شود وجود ندارد و لذا بیمه در این کشورها و بیمه اتکایی که از این کشورها پذیرفته شود معمولاً با سود مناسبی همراه است. از دهه ششم قرن حاضر میلادی فکر همکاری منطقه‌ای در کشورهای جهان سوم طرفداران زیادی پیدا کرده است. تشکیل صندوقهای مشترک بیمه اتکایی در منطقه یکی از نتایج این اندیشه است. هم اکنون بخشی از احتیاجات بیمه اتکایی کشورهای جهان سوم به جای اینکه متوجه کشورهای غربی باشد از طریق صندوقهای مشترک منطقه‌ای تأمین می‌شود که: «حمله معروف‌ترین آنها صندوق مشترک کشورهای امریکای جنوبی، کشورهای

آسیایی جنوب خاوری، کشورهای عربی و کشورهای عضو پیمان اکو است. اما جدیدترین و موفق‌ترین صندوقهای مشترک، صندوق کشورهای آسیایی و افریقای با شرکت تقریباً چهل کشور است. صنعت بیمه ایران در این صندوق عضویت دارد و نقش بسیار فعالی در آن ایفا می‌کند.

اندیشه دیگری که اخیراً انکناط مطرح کرده است تأسیس شرکتهای بیمه اتکایی چند ملیتی است که یکی برای افریقا، در لاگوس پایتخت نیجریه و دیگری برای آسیا در بانکوک پایتخت تایلند به وجود آمده است. کشورهای منطقه در تأمین سرمایه این شرکتهای اقدام کرده‌اند و به واگذاری بخشی از معاملات بیمه اتکایی خود به آنها متعهد شده‌اند. ایران در شرکت بیمه اتکایی آسیایی صاحب سهم و در مدیریت آن دخیل است. افزون بر اینها بعضی دولتها تعدادی شرکتهای بیمه چند ملیتی تأسیس کرده‌اند که آنها نیز اگر چنین هدفی را دنبال کنند، می‌توانند در تقلیل واگذاری بیمه اتکایی از کشورهای جهان سوم به بازارهای غربی مؤثر باشند.

بخش سوم - موارد اجتناب از بیمه اتکایی خارجی

در بخش اول مواردی از بیمه اتکایی خارجی را که اجتناب ناپذیر است توضیح دادیم و متذکر شدیم که برای حفظ بعضی منابع مالی و حفظ مصالح اقتصادی کشور توسل به بیمه اتکایی خارجی ضروری است. در بخش دیگر، چگونگی صرفه‌جویی در این امر که با وجود منافع و ضرورت آن مستلزم هزینه ارزی است مورد توجه قرار گرفت. در بخش حاضر به منظور تکمیل بحث مواردی را که پوشش بیمه اتکایی، به نظر ما مطلقاً قابل اجتناب است مورد بحث قرار می‌دهیم و معتقد هستیم که سازمانهای نظارت بر عملیات بیمه‌ای باید در خصوص این موارد و بی‌نیازی آن به بیمه اتکایی بذل توجه نمایند. دسته‌ای از انواع بیمه که ما آنها را در اینجا بیمه‌های مردمی می‌نامیم طبیعتاً به بیمه اتکایی نیاز ندارند. دسته‌ای دیگر از بیمه‌ها برای پوشش خطرهایی هستند که جنبه سیاسی و اجتماعی دارند و به نظر ما انتقال این خطرها براساس ضوابط بیمه‌ای، کاری بی‌فایده و نابخردانه است. گاهی مصالح مملکت اقتضا می‌کند که موقتاً هرگونه بیمه اتکایی خارجی متوقف شود. این موارد را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. بیمه‌های مردمی

بسیاری از انواع بیمه متضمن خطرهایی هستند که تقبل و تحمل آنها از عهده

بیمه‌گران داخلی، اگر نه به صورت انفرادی ولی قطعاً با همکاری یکدیگر، برمی‌آید. لذا باید اساساً از واگذاری اتکایی آنها خودداری شود مگر اینکه در موارد استثنایی مصالحی از جمله امتیازات واگذاری جمعی معاملات، یا قبول بیمه اتکایی متقابل اقتضا کند. بیمه‌های مورد نظر عبارتند از:

الف) بیمه‌های عمر و حوادث که مبالغ آنها عموماً کمتر از میزان ظرفیت بیمه‌گران است و تعداد آنها هم معمولاً بسیار زیاد و احتمال زیان آنها هم براساس تجربه‌های به دست آمده بسیار کم است.

ب) بیمه‌های هزینه درمان اعم از اینکه سازمانهای بیمه اجتماعی انجام دهند یا شرکتهای بیمه بازرگانی. این بیمه‌ها نیز متضمن تعهدات بسیار قلیل برای هر مورد هستند و حجم آنها بسیار عظیم است. زیان احتمالی آنها نمی‌تواند واگذاری اتکایی را توجیه کند. جز با تعدیل شرایط بیمه و نرخ حق بیمه با زیان این گونه بیمه‌ها نمی‌توان مقابله کرد.

پ) بیمه‌های آتش‌سوزی برای واحدهای غیر متمرکز مسکونی یا تجارتنی که هیچ یک مبالغ قابل توجهی ندارند. هرچند خطرهایی مانند زلزله یا طوفانهای عظیم در مناطقی که این خطرها شدت دارند می‌توانند موجب خسارت تعداد زیادی از این موارد بیمه شوند و واگذاری اتکایی خارجی را به صورتهای خاصی توجیه کنند، در حالتی عادی به ویژه اگر خطر زلزله و نظایر آن مشمول تعهد بیمه‌گر نباشد واگذاری اتکایی این بیمه‌ها به خارج از کشور توجیه ندارد.

ت) بیمه‌های مسؤلیت اشخاص در مقابل یکدیگر، از جمله مسؤلیتهای حرفه‌ای مغازه داران، هتلها، رستورانها، پزشکان، باشگاههای ورزشی و نیز مسؤلیتهای عمومی ناشی از فعالیتهای عادی روزمره نیاز به بیمه اتکایی ندارند.

ث) بیمه اتوموبیل با وجود خسارتهای زیادی که دارد متضمن تعهدی که محتاج بیمه اتکایی باشد نیست. در مورد این بیمه نیز آنچه در مورد بیمه درمان گفته شد صدق می‌کند.

ج) بیمه اعتبارات داخلی هرچند در دوره‌های بحران اقتصادی می‌تواند خسارتهای سنگینی داشته باشد قابل واگذاری به بیمه‌گران اتکایی خارجی نیست. زیرا در شرایط عادی این بیمه‌ها، خسارت قابل ملاحظه‌ای ندارند و اگر شرایط، بحرانی و غیرعادی باشد بیمه‌گران اتکایی خارجی یا حاضر به معامله بیمه اتکایی نمی‌شوند یا اینکه شرایط را به صورتی تغییر می‌دهند که منافع آنها را تأمین کند.

۲. بیمه خطرهای سیاسی

آثار مسائل سیاسی، انتقال پذیر نیست. بدین لحاظ اگر خطر موضوع بیمه منشأ سیاسی داشته باشد واگذاری اتکایی آنها به مصلحت نیست. خطرهای سیاسی با ضوابط بیمه‌ای، به دلایلی که این مقاله گنجایش بحث آن را ندارد، سازگار نیستند. اصولاً بیمه‌گران خارجی در صورتی حاضر به قبول تعهد در خطرهای سیاسی می‌شوند که از لحاظ نرخ و شرایط بیمه همه‌گونه پیش‌بینی‌های لازم را به نفع خود به عمل آورده باشند. به عبارت دیگر، واگذاری اتکایی در مجموع جز زیان برای بیمه‌گران داخلی نتیجه‌ای عاید نخواهد کرد. دو نوع عمده بیمه‌های حاوی خطرهای سیاسی عبارتند از:

الف) بیمه خطر جنگ که معمولاً در حمل و نقل دریایی و هوایی انجام می‌شود و شرایطی دارد که جز در موارد استثنایی همیشه به سود بیمه‌گران بین‌المللی است. شاید بتوان ادعا کرد که بیمه‌گران ایرانی در زمینه بیمه خطر جنگ، جدیدترین و مفیدترین تجربه را در سطح جهانی دارند. با استفاده از این تجربه می‌توان نظریات جدیدی در این خصوص ارائه کرد. از جمله می‌توان گفت که بیمه اتکایی در بیمه خطر جنگ به مصلحت هیچ کشور درگیر در جنگ نیست. زیرا براساس قاعده‌ای که در این بیمه مرسوم شده و در سراسر جهان با دقت انجام می‌شود بیمه خطر جنگ با اخطار هفت روزه قابل فسخ است، لذا تأمین که به نظر ما اساس بیمه است و موضوع عقد بیمه را تشکیل می‌دهد در قرارداد بیمه جنگ حاصل نمی‌شود. هیچ صاحب کشتی یا بازرگان صاحب کالا این اطمینان را ندارد که مال بیمه شده او در مقابل خطر جنگ تا پایان سفر دریایی و رسیدن به مقصد از پوشش بیمه‌ای برخوردار باشد. با وجود چنین نقصی که در بیمه جنگ وجود دارد بیمه اتکایی آن هم، که تابع همین شرط است، بی‌حاصل و بی‌نتیجه خواهد بود بنابراین:

اولاً- این شرط سنگین باید از بیمه جنگ حذف و در عین حال از واگذاری اتکایی این بیمه مطلقاً خودداری شود. از اوایل جنگ تحمیلی، واگذاری اتکایی بیمه کالاهای وارداتی در مقابل خطر جنگ به دلیل فوق و به دلیل اینکه پوشش آن شامل مدت انتظار کشتیها و تخلیه کالاها نمی‌شد از قراردادهای بیمه اتکایی با خارج کشور حذف گردید و این بیمه کلاً در داخل کشور نگهداری شد. مسؤولان دولت جمهوری اسلامی نیز با واقع‌بینی و اقدام کاملاً به موقع و شایسته مقرر کردند که سود حاصل از بیمه خطر جنگ کلاً به حساب ذخایر فنی شرکتهای بیمه منظور و نگهداری شود. این سیاست به بهترین

وجه موجب تقویت بنیه مالی شرکتهای بیمه ایرانی و افزایش ظرفیت قبول خطر آنها شد. ثانیاً - این مطلب که بیمه جنگ باید به حمل دریایی منحصر باشد فاقد هرگونه استدلال منطقی است. اگر بیمه جنگ را در حمل کالا می توان عمل کرد قطعاً در سایر انواع بیمه نیز قابل اعمال است. اگر قرار است بپذیریم که انواع بیمه مجاز در هر کشور همان است که در کشورهای غربی عمل می شود و شرایط بیمه نامه ها باید همان باشد که بیمه گران انگلیسی به کار می برند ناچاریم قبول کنیم که بیمه خطرهای آتش سوزی و عمر و جز آن امکان پذیر نیست. اما اگر چنین قراری نیست و ما هم می توانیم انواعی از بیمه را که با نیازهای ما سازگاری دارد ایجاد و اجرا کنیم می توانیم اظهار کنیم که در جنگ تحمیلی طولانی، بیمه گران ایرانی انواعی از بیمه جنگ را، با درک نیازهای جامعه ایرانی، اعمال کرده اند که در سایر کشورها سابقه ندارد. نظیر بیمه کامیونها و رانندگان و کمک رانندگان آنها در سالهای اول جنگ؛ بیمه عمر خلبانها، پزشکان و امدادگران که برای کمک رسانی به جبهه اعزام می شدند؛ بیمه عمر کارمندان و کارکنان مؤسسات مختلف که داوطلبانه رهسپار جبهه می شدند؛ و بیمه آتش سوزی منازل مسکونی در نقاطی که در معرض حمله موشکها و بمب افکن های دشمن بودند.

ب) بیمه اعتبارات صادراتی را معمولاً صندوقهای بیمه اعتبار صادراتی و به حساب دولت انجام می دهند مع هذا فعالیت در این زمینه برای بیمه گران ممنوع نیست و در بعضی کشورها شرکتهای بیمه خصوصی نیز در این زمینه فعالیت دارند. در این بیمه علاوه بر خطر تجارتي یا به عبارت دیگر احتمال ورشکستگی و انجام پذیرفتن تعهد خریدار خارجی، خطر سیاسی یعنی احتمال مشکلات ناشی از تحولات سیاسی یا قانونی در کشور بدهکار نیز وجود دارد. خطر از نوع اول را می توان موضوع معاملات بیمه اتکایی قرارداد ولی بیمه خطرهای سیاسی نیز وضعی مشابه بیمه خطر جنگ دارد و منطقاً نمی تواند موضوع داد و ستد تجارتي قرار گیرد.